



اصول فقہ ۳ (حلقه ثانی)

سطح ۲

درس ۴۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

مقدمه

برای متقدمین و از جمله صاحب معالم الدین، خیلی روشن بود که در واجب تخییری، اتیان همه اطراف تخییر، واجب نیست و ترک همه نیز جایز نیست. عبارت معروف این بود: «لا یجب الجمیع و لا یجوز الإخلال بالجمیع». ولی اصولیون متأخر با دقت و مو شکافی به اشکالاتی در تحلیل وجوب تخییری برخورد کرده‌اند که در این جا استاد شهید بدان اشاره خواهد کرد.

شهید صدر (ره) در این درس، دو تفسیر برای واجب تخییری بیان می‌کنند و دو اشکالی را که برخی از علما به تفسیر دوم وارد نموده‌اند، بیان می‌نمایند، البته چنان‌که در پاورقی درس بیان می‌شود این اشکالات قابل پاسخ هستند اما شهید صدر (ره) در این حلقه به بررسی اشکالات نمی‌پردازند. توجه شود که آزمون درس با توجه به متن درس و بدون لحاظ پاورقی‌ها، مطرح گردیده است.

متن درس

التخيير الشرعى فى الواجب:

و لا شك فى ان الوجوب التخييرى ثابت فى الشريعة فى مواقع عديدة، و له خصائص متفق عليها، منها:
ان المكلف يعد ممثلا بإتيان أحد الشيئين أو الأشياء، و يعد عاصيا إذا ترك البدائل كلها، غير أنها معصية واحدة، و لها عقاب واحد، و إذا أتى بالشيئين معا فقد امتثل أيضا.

و قد وقع البحث فى تحليل حقيقة الوجوب التخييرى، فقول: ان مرجعه إلى التخيير العقلى بمعنى أنه وجوب واحد متعلق بالجامع بين الشيئين تبعاً لقيام الملاك به، سواء كان هذا الجامع عنواناً أصيلاً، أو عنواناً انتزاعياً كعنوان أحدهما، و قيل إن مرجعه إلى وجوبين مشروطين بمعنى: ان كلا من العدلين واجب وجوباً مشروطاً بترك الآخر، و مرد هذين الوجوبين إلى ملاكين و غرضين غير قابلين للاستيفاء معا، فمن أجل تعدد الملاك، و قيام ملاك خاص بكل من العدلين تعدد الوجوب، و من أجل عدم إمكان استيفاء الملاكين معا جعل الوجوب فى كل منهما مشروطاً بترك الآخر. و قد لو حظ على التفسير الثانى بأن لازمه:

أولاً: تعدد المعصية و العقاب فى حالة ترك العدلين معا كما هو الحال فى حالات التضاحم بين واجبين لو تركهما المكلف معا.

و ثانياً: عدم تحقق الامتثال عند الإتيان بكلا الأمرين، إذ لا يكون كل من الوجوبين حينئذ فعلياً، و كلا اللازمين معلوم البطلان.

خصائص واجب تخییری

در درس قبل بیان شد که: واجب تخییری واجبی است که شارع مقدس در خطاب شرعی بدلی برای واجب قرار داده است و مکلف را در اتیان یکی از دو یا چند امر، مخیر نموده است.

به اتفاق اصولیون و فقها، واجب تخییری دارای سه خصوصیت ذیل می‌باشد:

۱. اگر مکلف یکی از دو یا چند طرف تخییر را اتیان نماید، ممثّل محسوب می‌شود؛ یعنی با اتیان یکی از بدیل‌هایی که واجب تخییری بدان‌ها تعلق گرفته است، تکلیف از مکلف ساقط می‌شود؛ مثلاً در کفاره افطار روزه ماه رمضان اگر مکلف شصت روز روزه بگیرد، این کفاره از گردن او ساقط می‌شود چنان‌که اگر شصت مسکین را طعام بدهد و یا یک بنده آزاد کند، امر به کفاره را امتثال نموده و دیگر چیزی بر گردن او نخواهد بود.

۲. اگر مکلف تمام اطراف تخییر را ترک نماید، عاصی محسوب می‌شود؛ مثلاً اگر در کفاره روزه ماه رمضان اگر اطعام شصت فقیر نکند و شصت روز روزه نگیرد و بنده‌ای آزاد نکند، (یعنی همه این امور را ترک نماید) عاصی و گناه کار خواهد بود؛ اما فقط یک معصیت برای او نوشته می‌شود، نه سه معصیت و او فقط استحقاق عقاب یک تکلیف را دارد نه سه تکلیف.

۳. اگر مکلف تمام اطراف تخییر را اتیان نماید، ممثّل محسوب می‌شود و لکن فقط یک امتثال محسوب می‌گردد؛ مثلاً اگر یک واجب تخییری سه طرف دارد، اگر مکلف هر سه طرف را امتثال نماید خواه به صورت دفعه‌ای فر سه مورد را در یک زمان اتیان نماید یا به هر سه طرف تخییر را به صورت تدریجی امتثال نماید، فقط یک امتثال برای مکلف محسوب می‌شود.

تطبیق

التخییر الشرعی فی الواجب:

(تفسیر) تخییر شرعی در واجب

ولا شک فی ان الوجوب التخییری ثابت فی الشریعة فی مواقع عدیده^۱، و له^۲ خصائص^۳ متفق^۴ علیها^۵.

هیچ شکی نیست که وجوب تخییری در موارد بسیاری در شریعت ثابت شده است و برای آن خصوصیت‌هایی است که مورد اتفاق می‌باشد.

منها^۶: ان المكلف يعد ممثلاً^۷ بإتیان^۸ أحد الشیئین أو الأشياء^۱.

^۱. یعنی: متعدد.

^۲. مرجع ضمیر: الوجوب التخییری.

^۳. مبتدای مؤخر.

^۴. صفت «خصائص».

^۵. مرجع ضمیر: خصائص.

^۶. مرجع ضمیر: خصائص.

^۷. یعنی: امتثال کننده و مطیع.

^۸. متعلق یعد.

از جمله آن خصوصیات، آن است که مکلف با آوردن یکی از دو یا چند چیز (ی که وجوب به نحو علی البدل به آن‌ها تعلق گرفته است) ممثل شمرده می‌شود.

و یعد عاصیا إذا ترک^۲ البدائل کلها^۳، غیر آنها^۴ معصية^۵ واحدة، و لها^۶ عقاب واحد.

و (خصوصیت دیگر آن‌که)، اگر همه بدل‌ها را ترک کند (و هیچ‌یک از اطراف تخییر را انجام ندهد) عاصی به شمار می‌آید، ولی گناه او فقط یکی است و برای او یک عقاب خواهد بود.

و إذا أتى بالشيئين معا فقد امتثل أيضا^۷.

و (خصوصیت سوم آن‌که) اگر هر دو چیز را با هم (و در یک زمان) بیاورد باز هم ممثل شمرده می‌شود.

Sco1:۰۶:۲۱

حقیقت وجوب تخییری^۸

برای واجب تخییری تفاسیر مختلفی بیان گردیده است اما مصنف به ذکر دو تفسیر اکتفا می‌نماید.

تفسیر اول: ارجاع تخییر شرعی به تخییر عقلی

برخی گفته‌اند که واجب تخییری (تخییر شرعی) در حقیقت به تخییر عقلی رجوع می‌کند؛ یعنی همان‌گونه که در تخییر عقلی، وجوب واحدی به عنوان کلی واحدی تعلق می‌گیرد (مانند تعلق وجوب به عنوان کلی صلات)، در تخییر شرعی نیز وجوب واحدی به عنوان کلی واحدی تعلق می‌گیرد با این تفاوت که در تخییر عقلی عنوان کلی که وجوب بدان تعلق می‌گیرد یک عنوان اصیل است، اما در تخییر شرعی عنوانی که وجوب بدان تعلق گرفته است یک عنوان انتزاعی می‌باشد؛ مانند عنوان «احدهما» در جایی که مکلف مخیر بین دو شیء است و یا عنوان «احدها» در جایی که مکلف مخیر بین چند شیء می‌باشد؛ لذا طبق این تفسیر در کفاره روزه ماه رمضان، یک وجوب به عنوان کلی انتزاعی که شامل هر سه بدل می‌باشد، (مانند عنوان احدها) تعلق می‌گیرد.

^۱. یعنی: یکی از دو طرف و یا چند طرف تخییر.

^۲. مرجع ضمیر: المكلف.

^۳. مرجع ضمیر: البدائل.

^۴. مرجع ضمیر: ترک البدائل؛ در اصل باید ضمیر مذکر آورده می‌شد اما به جهت رعایت تناسب بین مبتدا و خبر، ضمیر مؤنث آورده شده است.

^۵. خبر «أن».

^۶. مرجع ضمیر: معصية. ولی بهتر بود که ضمیر مذکر آورده می‌شد تا به «ترک» رجوع می‌نمود.

^۷. یعنی: همان‌گونه که اگر یکی از اطراف را اتیان می‌نمود، ممثل محسوب می‌شود کسی هم که تمام اطراف را اتیان نموده ممثل محسوب می‌شود.

^۸. برخی مدعی شده‌اند که وجوب تخییری امکان ندارد؛ زیرا واجب، یعنی: فعلی که ترک آن جایز نیست و واجب تخییری یعنی واجبی که ترک آن، با اتیان بدل جایز است و لذا واجب تخییری جمع بین جواز ترک و عدم جواز ترک می‌باشد که جمع بین نقیضین است و اجتماع نقیضین محال می‌باشد.

بهترین پاسخی که می‌توان به این اشکال داد این است که در شرع و در نزد عقلاء واجب تخییری واقع شده است و وقوع بهترین شاهد بر امکان می‌باشد اما با این وجود لازم است حقیقت وجوب تخییری بیان گردد تا عدم ورود این اشکال به واجب تخییری واضح گردد.

تعلیلی که برای این تفسیر بیان شده است این است که وجوب تابع ملاک است و در وجوب تخییری فقط یک ملاک وجود دارد که به جامع بین اطراف تعلق گرفته است نه به تک تک اطراف، یعنی تک تک اطراف دارای ملاک نیستند که به هر یک وجوبی مستقل تعلق بگیرد؛ لذا وجوب نیز به جامع تعلق می‌گیرد.

تطبیق

و قد وقع البحث فی تحلیل حقيقة الوجوب التخییری.

در تحلیل حقیقت وجوب تخییری بحثی در گرفته است.

فقیل: ان مرجعه^۱ إلى التخییر العقلی بمعنی أنه^۲ وجوب واحد متعلق بالجامع بین الشیئین تبعاً^۳ لقیام الملائک به^۴، سواء كان هذا الجامع عنواناً أصیلاً^۵، أو عنواناً انتزاعیاً كعنوان أحدهما.

پس گفته شده که مرجع تخییر شرعی به تخییر عقلی است، به معنای آن که وجوب تخییری، یک وجوب است که به جامع میان دو چیز تعلق گرفته است، به تبع آن که ملاک وجوب قائم به جامع است؛ چه آن که این جامع عنوان اصیل باشد (مانند اولو الامر که جامع حقیقی میان ائمه معصومین است) یا عنوان انتزاعی باشد؛ مانند عنوان «أحدهما».

Sco2:13:09

تفسیر دوم: ارجاع وجوب تخییری به دو وجوب مشروط

دومین تفسیری که در مورد وجوب تخییری وجود دارد این است که در واقع به عدد اطراف تخییر، وجوب وجود دارد، یعنی اگر تخییر دو طرف دارد در حقیقت دو وجوب وجود دارد و اگر تخییر، سه طرف دارد در حقیقت سه وجوب، موجود است و لکن هر یک از این وجوب‌ها مشروط به ترک عدل یا عدل‌های دیگر می‌باشد. علت چنین جعلی این است که ملاک وجوب برای هر یک از اطراف موجود است و لکن از آن جا که مولا علم دارد که مکلف قدرت بر اتیان هر دو را ندارد او را بین اتیان یکی از آن وجوب‌ها مخیر می‌نماید؛ مثلاً مولایی که هم تشنه است و هم گرسنه ملاک وجوب تحصیل غذا و آب وجود دارد، اما مولا می‌داند که عبد او یا می‌تواند برای او غذا تهیه کند

^۱. مرجع ضمیر: الوجوب التخییری؛ یعنی: تخییر شرعی

^۲. مرجع ضمیر: الوجوب التخییری.

^۳. مفعول له «متعلق».

^۴. مرجع ضمیر: الجامع.

^۵. عناوین بر سه قسم است:

الف) عنوان عینی و واقعی.

ب) عنوان اعتباری و جعلی.

ج) عنوان انتزاعی؛ مقصود از عنوان اصیل در این جا عنوانی است که انتزاعی نباشد خواه عنوانی واقعی باشد مانند عنوان انسان یا عنوانی اعتباری باشد مانند ملکیت که این عناوین متأصل نیز نامیده می‌شود؛ یعنی عناوینی که دارای ریشه‌ای هستند که عناوین عینی، ریشه در عالم تکوین دارند و عناوین اعتباری ریشه در عالم جعل، اما عناوین انتزاعی در حقیقت عناوینی هستند که ذهن آن‌ها را از نسبت بین دو چیز استنباط می‌نماید مانند فوقیت و تحتیت.

یا آب، لذا این گونه می‌گوید: «استقنی ماءً أو التمس لی طعاماً» یعنی: با این که ملاک وجوب برای هر یک از دو تکلیف تحصیل آب و تحصیل غذا، وجود دارد و نه آب می‌تواند رفع گرسنگی نماید و نه غذا می‌تواند رفع تشنگی کند (یعنی هیچ یک از این دو تکلیف نمی‌تواند ملاک تکلیف دیگر را استیفاء نماید)، چون مولا علم دارد که مکلف قادر به انجام هر دو تکلیف نیست و یا انجام هر دو تکلیف برای او حرجی است او را در امثال یکی از دو تکلیف مخیر می‌نماید و هر دو تکلیف را مشروط به عدم امثال تکلیف دیگر می‌کند.

تطبیق

و قيل إن مرجعه^۱ إلى وجوبين مشروطين بمعنى: ان كلا من العدلين^۲ واجب وجوبا^۳ مشروطا بترك الآخر، و گفته شده که مرجع وجوب تخیری به دو وجوب مشروط است، به معنای آن که هر یک از دو طرف تخیر واجب است به وجوبی که مشروط به ترک طرف دیگر است.

و مرد هذين الوجوبين إلى ملاکين و غرضين غير قابلين للاستیفاء معاً^۴، مرجع این دو وجوب (که هر کدام مشروط به دیگری است) به دو ملاک و دو غرض است که با هم قابل استیفاء نیست.

فمن أجل تعدد الملاک، و قیام ملاک خاص بكل من العدلين تعدد الوجوب، و من أجل عدم إمكان استیفاء الملاکين معاً جعل الوجوب فی کل منهما^۵ مشروطا بترك الآخر.

پس به جهت تعدد ملاک و قیام ملاکی خاص به هر یک از دو طرف تخیر، وجوب، تعدد پیدا کرده است و به جهت عدم امکان استیفاء هر دو ملاک با هم، وجوب در هر یک از آن دو، به ترک دیگری مشروط شده است.

Scor: ۱۹:۰۴

برخی اشکالات به تفسیر دوم

شهید صدر (ره) می‌فرمایند: دو اشکال بر تفسیر دومی که برای وجوب تخیری بیان شده است وارد شده است.

اشکال نخست: عدم تطابق این تفسیر با خصیصه دوم واجب تخیری

اولین اشکالی که به این تفسیر وارد است این است که طبق این تفسیر در صورت ترک هر دو عدل در واجب تخیری، دو معصیت از مکلف صادر شده باشد و او مستحق دو عقاب باشد؛ زیرا طبق این تفسیر دو وجوب، وجود دارد که هر یک مشروط به عدم امثال دیگری می‌باشد؛ لذا در صورت ترک هر دو طرف هر دو وجوب شرطشان محقق شده و فعلیت پیدا می‌کنند و ترک دو وجوب فعلی، دو معصیت محسوب می‌شود و دو عقاب را در پی دارد؛ اما بیان شد که به اتفاق فقها و اصولیون، در صورت ترک اطراف واجب تخیری فقط یک معصیت از

^۱. مرجع ضمیر: وجوب تخیری به عبارت دیگر تخیر شرعی

^۲. در جایی که واجب تخیری دو طرف دارد.

^۳. مفعول مطلق نوعی برای واجب.

^۴. به خاطر عدم قدرت مکلف به اتیان هر دو تکلیف با یکدیگر.

^۵. مرجع مضمر: العدلين.

مكلف سرزده است و مستحق يك عقاب می‌باشد چنان‌كه در خصیصه دوم واجب تخیری، در ابتدای درس، مفصل آن بیان گردید.^۱

اشكال دوم: عدم تطابق این تفسیر با خصیصه سوم واجب تخیری

در صورتی كه مكلف هر دو طرف واجب تخیری را با هم اتیان نماید، یعنی در آن واحد هر دو عدل را به جا آورد، مثلاً در حالی كه دعا می‌كرده است صدقه نیز داده است، در صورتی كه واجب تخیری ما به اتیان یکی از این دو عدل تعلق گرفته باشد، در این صورت مكلف امتثال كننده واجب تخیری محسوب نمی‌شود؛ زیرا طبق این تفسیر هر يك از دو وجوب مشروط به عدم اتیان طرف دیگر می‌باشد، لذا با اتیان هر دو طرف در آن واحد، شرط فعلیت هیچ يك از دو وجوب محقق نیست و هیچ‌كدام فعلی نخواهد بود و امتثال هر تكلیفی منوط به فعلیت آن می‌باشد، همان‌گونه كه معصیت تكلیف منوط به فعلیت آن می‌باشد. كه این با خصیصه سومی كه برای واجب تخیری بیان نمودیم منافات دارد؛ زیرا در آن خصیصه گفتیم كه در صورت اتیان هر دو طرف واجب تخیری در آن واحد، مكلف ممتثل محسوب می‌شود.^۲

تطبیق

و قد لوحظ^۳ علی التفسیر الثانی^۴ بأن لازمه^۵:

بر تفسیر دوم (كه وجوب تخیری به دو وجوب، كه هر يك مشروط به ترك دیگری است، بازگشت می‌كند) اشكال قابل ملاحظه‌ای وارد گردیده است، بدین‌گونه كه، لازمه تفسیر دوم
أولاً: تعدد المعصية و العقاب في حالة ترك العدلین معا كما هو الحال في حالات التزام بین واجبین لو تركهما^۶
المكلف معا.

^۱. چنان كه در حالات التزام پاسخ داده شده است كه مكلف قادر بر اتیان هر دو ملاك نبوده است و او فقط يك ملاك را تفویت نموده است، لذا دو معصیت از او سر نزده است و مستحق دو عقاب نمی‌باشد؛ در ما نحن فیه نیز می‌توان این پاسخ را بیان نمود.

^۲. از ایراد دوم این گونه می‌توان پاسخ گفت: در این فرض هر دو تكلیف فعلی می‌باشد؛ زیرا شرط هر يك از دو وجوب عدم اتیان طرف دیگر می‌باشد نه عدم مقارنت آن با تكلیف دیگر، یعنی در هنگام اتیان هر يك از دو تكلیف عدم اتیان دیگری صادق است منتها مقارن با آن تكلیف دیگر نیز اتیان شده است و طبق تفسیر دوم عدم مقارنت اتیان تكلیف به اتیان تكلیف دیگر شرط نشده است.

^۳. یعنی: اشكال شده است.

^۴. یعنی: ارجاع واجب تخیری به دو یا چند واجب مشروط.

^۵. مرجع ضمیر: التفسیر الثانی.

^۶. مرجع ضمیر: تعدد عقاب و معصیت.

^۷. مرجع ضمیر: العدلین.

اولاً، آن است که در حالت ترک هر دو طرف تخییر، معصیت و عقاب متعدد شود؛ چنان‌که در حالات تراحم میان دو واجب، در صورتی که مکلف هر دوی آن‌ها را ترک کند، همین گونه خواهد بود.^۱

و ثانیاً: عدم تحقق الامتثال عند الإتيان بكلا الأمرين^۲، إذ لا يكون كل من الوجوبين حينئذ^۳ فعلياً^۴، و كلا اللازمين^۵ معلوم البطلان.

و ثانیاً، لازمه تفسیر دوم آن است وقتی هر دو طرف تخییر آورده می‌شود امتثال تحقق پیدا نکند؛ زیرا در این حال هیچ‌یک از دو وجوب، فعلی نخواهد بود و بطلان هر دو لازم، معلوم است. (اما لازم اول باطل است؛ چون بر خلاف خصوصیت دومی است که برای وجوب تخییری ذکر شده و مورد اتفاق اصولیون است و اما لازم دوم باطل است؛ چون بر خلاف خصوصیت سوم است.)

Sco۴:۳۰:۰۷

^۱. یعنی: عقاب متعدد خواهد بود؛ مثلاً اگر زید و عمرو، هردو، در حال غرق شدن باشند و مکلف، فقط می‌تواند یکی از آن دو را نجات دهد اگر هیچ‌کدام را نجات ندهد، دو عقاب خواهد داشت؛ زیرا وجوب نجات زید مشروط به عدم اشتغال به تکلیف دوم، یعنی نجات عمرو است و وجوب نجات عمرو نیز مشروط به ترک نجات زید است. پس با ترک تکلیف اول، تکلیف دوم به فعلیت می‌رسد و با ترک تکلیف دوم، تکلیف اول به فعلیت می‌رسد. همین بیان جاری است در آن‌جا که مولی در خطاب خویش می‌گوید: «زید را یا عمرو را از غرق شدن نجات بده». زیرا اگر وجوب تخییری به دو وجوب مشروط بازگشت داشته باشد، معنایش آن است ترک یک طرف تخییر موجب به فعلیت رسیدن وجوب طرف دیگر می‌شود و بالعکس. پس با ترک هردو طرف تخییر، هردو وجوب به فعلیت می‌رسد و در نتیجه می‌توان گفت مکلف دو وجوب فعلی را ترک کرده و دو عقاب برای او ثابت است.

^۲. یعنی: اشکال دوم بر تفسیر دوم برای واجب تخییری.

^۳. البته منظور اتیان هر دو عدل در آن واحد می‌باشد والا اگر ابتدا یک عدل را اتیان نماید سپس عدل دیگر را در این صورت چون شرط عدل اول که عدم اتیان عدل دوم می‌باشد محقق است تکلیف و وجوب اول فعلی می‌باشد. لذا امتثال وجوب اول محقق شده است اما چون عدل و طرف دیگر شرطش که عدم اتیان عدل دیگر است، محقق نیست فعلی نخواهد بود و لذا امتثال آن صادق نیست.

^۴. یعنی: در این هنگام که مکلف هر دو طرف واجب تخییری را در آن واحد اتیان نموده است.

^۵. امتثال تکلیف منوط به فعلیت تکلیف می‌باشد؛ چنان‌که فقها در صورتی که مکلف غیر مستطیع حج انجام دهد ممثل محسوب نمی‌شود؛ زیرا شرط فعلیت حج استطاعت مکلف می‌باشد.

^۶. یعنی: هر دو لازمه‌ای که برای تفسیر دوم بیان شد.

چکیده

۱. واجب تخییری دارای سه خصوصیت ذیل می‌باشد:

الف) اگر مکلف یکی از دو یا چند طرف تخییر را اتیان نماید، ممثل محسوب می‌شود؛ یعنی با اتیان یکی از بدیل‌هایی که واجب تخییری بدان‌ها تعلق گرفته است، تکلیف از مکلف ساقط می‌شود.

ب) اگر مکلف تمام اطراف تخییر را ترک نماید، عاصی محسوب می‌شود؛ اما فقط یک عقاب برای او خواهد بود.

ج) اگر مکلف تمام اطراف تخییر را اتیان نماید، ممثل محسوب می‌شود و لکن فقط یک امتثال محسوب می‌گردد.

۲. در تحلیل وجوب تخییری دو نظر است:

بعضی می‌گویند: تخییر شرعی رجوع به تخییر عقلی دارد؛ یعنی وجوب، به جامع میان اطراف تخییر تعلق پذیرفته است.

بعضی دیگر می‌گویند: وجوب تخییری به دو وجوب مشروط بازگشت دارد به طوری که هرکدام مشروط به ترک دیگری است.

۳. تفسیر دومی که برای وجوب تخییری ارائه شده است مستلزم دو اشکال است:

اول آن‌که، در حالت ترک هر دو طرف تخییر، معصیت و عقاب نیز متعدد می‌شود.

دوم آن‌که، با آوردن هر دو طرف تخییر، امتثال صدق نمی‌کند.